



گذری بر تاریخ قدیمی‌ترین هتل مشهد به مناسبت روز ثبت ملی شدن آن

«پارس» با پنجره‌هایی رو به ارگ قدیم

امروزی به خود می‌گرفت وبرووییایی داشت. باغ ملی‌اش محل تفریح و تفرج بود و کافه‌های امروزی وسینماهایش یکی یکی پامی‌گرفت، هتلی در جایی از این خیابان شلوغ. پایش را از هیاهوی شهر و خیابان بیرون کشیده بود و اقامتگاهی شده بود برای مسافرانی که مشهد را برای سفر انتخاب می‌کردند. در نتیجه، مسافران از پشت پنجره‌های چوبی هتل رو به خیابان ارگ. بی آنکه در آن همه شلوغی نقش ایفا کنند. روزگاری را تماشا می‌کردند که هیچ خیابانی از این

هادی دقیق اگر د شگرذیری مشهد از قدیم زیانزد بوده است و دلیل اصلی آن هم وجود مرقد حضرت رضا^(ع) در این شهر است. با وجود این تا دوره قاجار بیشتر جنبه زیارت و تجارت برای مسافران اهمیت داشت. اما پس از آن با مدرن شدن شهرها. جنبه گردشگری هم به اهداف مسافران اضافه شد. در نتیجه این تحولات، نیازهایی هم ایجاد می‌شد که باید به شکلی به روز به آن‌ها پاسخ داده می‌شد. همان روزهایی که خیابان ارگ مشهد داشت چهره‌ای مدرن و

سرگذشت ارگ؛ نخستین خیابان مدرن شهر

خیابان ارگ نامش را از ارگ حکومتی گرفته که بیرون از حصار شهر قرار داشته است. این رویه برخلاف ارگ حکومتی شهرهای دیگر بود که در مرکز شهر ساخته می‌شدند؛ چون هسته شهر مشهد، حرم امام رضا^(ع) بود. در سال‌های پایانی حکومت قاجار اما دیگر نشانی از برج و باروی ارگ مشهد باقی نمانده بود؛ فقط تعدادی کوجه متصل به هم، باغ‌های حاشیه آن‌ها و البته مجموعه ساختمان کنسولگری انگلستان در مشهد وجود داشتند که در نزد مردم به عنوان کوجه و محله ارگ شناخته می‌شدند. مدرن شدن این خیابان هم رفته‌رفته از سال ۱۳۰۷ آغاز شد. آن هم به‌پهانه میزبانی از مستشرقان و مهمانان کنگره هزاره فردوسی که سال ۱۳۱۳ قرار بود برگزار شود. با وجود همه این‌ها، رونق خیابان ارگ کم‌کم از دهه ۵۰ کاسته شد، تا جایی که خیابان‌های مدرن دیگری یکی یکی کف این شهر شلوغ پهن شدند و ارگ را از یادها بردند. در نهایت نیز امروز این خیابان را به نام امام خمینی ^(ع) می‌شناسیم.

از پاریس تا پارس

نخستین هتل مشهد، هتلی موسوم به پاریس بود با بنایی مجلل و چهار طبقه در سمت غربی خیابان ارگ، مقابل خیابان خسروی امروز. این هتل به دلیل داشتن برق که در اوایل دوره پهلوی برای خیلی از خانه‌ها آرزو بود و همچنین غذاهای لذیذ و سالن همایش بزرگش که جشن‌های فراوانی در آن برگزار



نمایی از هتل چهار طبقه یا هتل پاریس میدان ارگ در گذشته

در دروازه باشد سخت و چوبی

فرخدا-ا اگر پای صحبت هشتاد، نود ساله‌های مشهدی که خدا عمرشان دهد، بنشینید و از مشهد قدیم بپرسید، حتما یک جایی حرف را سمت برج و باروی شهر و دروازه‌های معروف آن می‌برند. جایی که نگهبانی داشته و شب‌ها از بیم حمله راهزنان، درش را می‌بسته‌اند. دروازه‌ها محل ورود کاروان‌های زیارتی و تجارتی بوده‌اند و وداع‌های بسیاری را هم به خود دیده‌اند. مرحوم، «رضا افضل» در کتاب «منظومه مشهدی‌های قدیمی» در چند بیت حال و هوای دروازه مشهد را توصیف کرده و این‌طور سروده است:



مشهد قدیم



سنگ یادبود هتل پارس مشهد



نمایی از هتل پارس امروز

در دروازه باشد سخت و چوبی..... در او باشد صفوف میخ‌کوبی
گل میخ بزرگش چون سیرها..... به پیش تیر دشمن، برده سرها
کلون و تخته‌اش با قفل و شب‌بند..... شود افزون به بند محکمی چند
نمایان، درجه‌ای کوچک در آن در..... نگهبان می‌کند از آن، برون سر
از آن دروازه سخت و گران سنگ..... شود رد، قافله با نغمه زنگ
شب آید کاروان خُرد و خسته..... ولی باشد در دروازه بسته
چو روز گرم از جان می‌برد تاب..... بپوید قافله، ره را به مهتاب
شبهانه گر رسد آنجا قوافل..... کند تا صبح پِشت باره منزل
اگر آذوقه آید یا که تَر بار..... به شب ماند پس دروازه ناچار
لپ دروازه چون خندد سحرگاه..... شوند از دنگ دنگ زنگ آگاه
کنار کاروان‌های مسافر..... درآید بس قطار، از مال تاجر
شتر باگردن منگوله باران..... گرفته جلوه‌ای از نوبهاران
شده بار شترها عدل کالا..... تمامی بسته محکم، با رسن‌ها
رسد در شهر، هر دم بانگ آشت..... نخ معبر شود از مهره‌ها پُر
چو می‌آید مسافر سوی منزل..... صدای گریه برخیزد ز محمل
دُم هر قافله باشد به «نوقان»..... سر آن اول کوجه «سیابان»
ز شوق یار، گردد دیده‌ها تَر..... بشوید گونه را باران جَرَجَر
شود گاهی مسافر محنت آگین..... که رفته در غیابش یار شیرین
چو نوروز برابر با محرم..... شود شادی گو دیدار، ماتم

معنی لغات:

درچه، در بچه

بپوید قافله، ره را به مهتاب: اشاره به حرکت کاروان‌ها در شب دارد که در فصول گرم معمول بوده است. باره، به حصار و دیوار دور شهرها گفته می‌شود.

لپ دروازه چون خندد سحرگاه: به باز شدن در دروازه‌ها در هنگام سحر اشاره دارد. گویا دروازه مشهد زنگوله‌های بزرگی داشته که روی در نصب بوده و این زنگوله‌ها با حرکت در به صدا در می‌آمده است. به این شکل، قافله و کاروان‌هایی که شب هنگام می‌رسیده‌اند و به دلیل بسته بودن در دروازه پشت آن می‌مانند، متوجه باز شدن آن می‌شده‌اند.
دُم هر قافله باشد به «نوقان»: منظور قطار کاروان‌هاست که ابتدایش در کوجه سیابان و انتهایش به دروازه نوقان می‌رسیده است.

آقای «مجاورتوسی» فروخت. سال ۱۳۲۰ و هم‌زمان با آمدن روس‌ها به ایران و مشهد، بنای هتل پارس را به مقررستاد فرماندهی روس‌ها بدل کردند اما سال ۱۳۵۵ نیز این هتل به عنوان محل برگزاری جشنواره توس انتخاب شد. همچنان سرقفلی هتل دست خانواده «مجاورتوسی» است. ناگفته نماند که نام هتل پارس ۱۲ تیر ۱۳۸۴ در فهرست آثار ملی ایران ثبت شده است.

تزیینات چشم‌هزل هتل پارس

کمتر کسی است که از روبه‌روی باغ ملی بگذرد و سنگ نوشته جلو در هتل را نبیند. همین توضیح تاریخچه هتل روی این سنگ‌نوشته، پای هر گریزایی را سست می‌کند تا اطراف هتل پر سه بزند و تزیینات آجری فاخرش را واریسی کند. هتل پارس تاریخ کوتاه اما پرفراز و نشیبی را از سر گذرانده است و به جز تزیینات اصلی بنا، در دوره‌های مختلف بدون تغییر پلان اصلی، تزییناتی به آن اضافه شده است. برخی ویژگی‌های معماری هتل پارس عبارت‌اند از: تقارن بنا از لحاظ معماری و ابعاد و اندازه، قراگیری در یکی از خیابان‌های اصلی شهر و اشراف به خیابان و برعکس، تزیینات آجری و نقش برجسته اجرا شده با خمیر پخته و فضای زیرزمین که بعدها به چای‌خانه سنتی تبدیل شد با آسمانه گهواره‌ای و تزیینات الحاقی از جمله کاشی معرق و لعاب‌دار منقوش در کف آن. ورودی هتل در خیابان امام خمینی ^(ع) ۲۶ قرار دارد. ساختمان دارای دو طبقه و یک زیرزمین مجزاست که در ورودی آن چوبی و با طاق‌های جناغی است.

پس از ورودی زیرزمین، پله‌هایی است که با یک پاگرد به فضای اصلی زیرزمین می‌رسد. سقف زیرزمین گهواره‌ای است و از سقف‌های آجری اطراف آن به عنوان جایی برای نشستن استفاده می‌شود. طبقات ساختمان نیز اتاق‌هایی ساده و بدون تزیینات دارد که محل اقامت مسافران است. با وجود این، بیشتر تزیینات بنا مربوط به دیوارهای بیرونی آن است. سردر ورودی تغییر کرده و نوسازی و دگرگون شده است. در نمای طبقه دوم نیز پنجره‌های چوبی قدیمی جایبان را به نمونه‌های سازگارتر امروزی داده‌اند و در نهایت باز همان شکل پنجره‌های چوبی و در برخی شیشه‌های رنگی کار شده است. بالای هر یک از این پنجره‌ها تزیینات نقش برجسته سفالی با طرح‌های گیاهی و جانوری به چشم می‌خورد. در چهار گوشه بنا نیز قاب‌های آجری با فرم منحنی و متقارن ایجاد شده است. رخ‌بام‌های بنا و سقف شیروانی آن نیز از ویژگی‌های بناست که از هر سمت پیداست. همچنین، پر سه‌زنی در اطراف آن، حس بالکن‌های جذابش را به بیننده منتقل می‌کند.

با این تفسیر، این همه آجر نقش‌دار می‌گوید که اولین‌های خیابان ارگ همگی دیدنی بوده‌اند؛ اولین‌هایی که از اینجا پا گرفتند و حالا دیگر اثری از آن‌ها نیست. با وجود این، هتل پارس، از هتل‌های پیش‌گام مشهد، همچنان به‌همت مالکش سرپاست، با همان کاربری اولیه، درحالی‌که هم‌دوره‌هایش، مثل گراند هتل‌های مشهور تهران و قزوین، با آن اسامی دهن‌پرکن، امروز بنایی متروکه و بلکه مخروبه‌هستند.

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت صد و پنجاهم)
مولانا رستم‌داری، عالمی که از قلم شمشیر ساخت

مرضیه ترابی! شهر مشهد به واسطه وجود سراسر برکت حرم مطهر رضوی، از دیرباز میزبان علما و دانشمندانی بوده که نام بسیاری از آن‌ها برای ما شناخت، با این حال شاید خوانندگان ستون مشهدیات، تاکنون نام «محمد بن فخرالدین علی رستم‌داری» را نشنیده باشند، عالمی نامدار که در سال ۹۸۰ قمری (۹۵۱ خورشیدی) و در عهد شاه‌مسلم یکم صفوی به عنوان خادم و مدرس آستان قدس رضوی منصوب شد. مدرسان آستان قدس رضوی، وظیفه تدریس عمومی فقه و علوم دینی را در این مکان مقدس برعهده داشتند و در کنار آن، به تربیت طلاب علوم دینی و پرورش استعداد‌های آنان می‌پرداختند. محمد بن فخرالدین علی که اصالتاً از منطقه رستم‌دار مازندران بود، چنین جایگاهی داشت. او به دلیل موقعیت برجسته علمی‌اش، به «مولانا رستم‌داری» هم معروف بود. طبق گزارش میرمنشی قمی در «خلاصه‌التواریخ»، رستم‌داری در سنین جوانی راهی مشهد شد و به دلیل هوش و فراست خدادادی، خیلی زود مدارج علمی را طی کرد و در میان اهل علم شناخته شد. روان‌شاد حسن انوشه در «دایرة‌المعارف تشیع» به تسلط رستم‌داری بر علوم‌ی مانند حکمت، فلسفه، ریاضیات و طبیعیات اشاره کرده است و این مسئله، بیانگر جایگاه والای این عالم شیعه در عرصه دانش‌های گوناگون است؛ با این حال آنچه باعث شهرت وی در تاریخ شد، تنها دایره وسیع علمی که می‌دانست نبود؛ رستم‌داری در دفاع از مرام‌های اعتقادی شیعه نیز فردی توانا و بی‌پاک بود و از بیان حقیقت نمی‌هراسید. این ویژگی، به خصوص در حمله خونین ازبکان به مشهد، در سال ۹۹۷ قمری (۹۶۸ خورشیدی) کاملاً مشهود است. ازبکان که به دنبال تراشیدن وجهه شرعی برای جنایات و غارتگری‌های خود بودند و ادعا می‌کردند در برابر رویکرد شیعی ایرانیان عصر صفوی مجبور به چنین واکنشی شده‌اند، در این هجمه با نامه‌ای پندآموز از سوی علمای شهر مشهد روبه‌رو شدند که با تکیه بر منابع روایی و حدیثی، اقدام آنان را خارج از موازین شریعت محمدی می‌دانستند و حمله به شهری را که مدفن فرزند رسول خدا^(ص) و محل سکونت جمع کثیری از سادات ذوی‌احترام بود، عین خروج از دین معرفی می‌کردند. عبدا... خان ازبک، سرکرده مهاجمان که نمی‌خواست از جایگاهش به عنوان «غازی» و «مجاهد» خلع شود و مردمش او را به عنوان غارتگری طماع بشناسند، جمعی از عالمان درباری خود را واداشت تا به این نامه پاسخی مستدل بدهند و ثابت کنند که جنایات ازبکان در مشهد و اطراف آن از وجهه کاملاً شرعی برخوردار است. این نامه، به هر شکل ممکن، توسط علمای دربار عبدا... خان نوشته و نزد علمای مشهد فرستاده شد. مولانا رستم‌داری با مطالعه متن نامه، درصدد پاسخگویی برآمد و طی نوشتاری مطول و مفصل همه آنچه را که علمای دربار خان ازبک رشته بودند، پنبه کرد. نوشته رستم‌داری از چنان قوام و استنادی برخوردار بود که باعث استیصال کامل دیاربایان ازبک شد. نکته مهم در نوشته رستم‌داری، تکیه او بر اقوال بزرگان اهل سنت و علمای مورد تأیید دیگر مذاهب اسلامی مانند غزالی، اشعری، ابن اثیر، نِسَفی و... بود. ناتوانی علمای دربار خان ازبک در پاسخگویی به نامه رستم‌داری باعث شد که بعد از جدا کردن متن آیات از محتوای نامه، آن را بسوزانند. آن‌گاه فرمان حمله به مشهد رضا^(ع) صادر شد و با شکسته شدن حلقه مقاومت مدافعان شهر، لشکر جزار ازبک به مشهد ریخت و از کشته پُشته ساخت. مولانا رستم‌داری در زمره مدافعانی بود که مردانه شمشیر به دست گرفتند و در برابر ازبکان ایستادند. ظاهراً او در همین مصاف نابرابر به شهادت رسید و پیکرش را در قبرستان قتلگاه به خاک سپردند؛ اما خاطره دلآوری و دانش او در تاریخ مشهد ماندگار شد.

اخبار قدیمی

نرخ گرما به‌ها در سال ۱۳۲۱ خورشیدی!



نمایی از گرمابه نوبیناد مشهد با حوله و لنگ آویخته در جلوی در

زینبی! یکی از معمولی‌ترین ماجراها در زندگی همه ما حمام کردن است. اما همین کار معمولی در گذشته، یکی از اتفاقاتی بوده که می‌توانسته یک خانواده را حسابی به دردسر بیندازد. در واقع ماراتن حمام برای یک خانواده قدیمی از صبح‌زود شروع می‌شد، چون حمام مردانه پیش از اذان صبح تا ساعت ۸ صبح فعال بود و پس از آن، گرمابه در اختیار بانوان قرار می‌گرفت. بیشتر افراد باید یک مسیر طولانی را طی می‌کردند تا خودشان را به جایی برسانند که هیچ اعتمادی به آب و پاکیزگی‌اش نبود و خزینه‌اش منشأ انواع بیماری‌های واگیر و غیرواگیر بود و البته چاره‌ای جز استفاده از آن نبود. البته از زمانی که دوش و حمام نمره به میان آمد، مشکلات حمام‌های خزینه‌ای تا حدودی کم شد ولی سال‌ها طول کشید تا همه خزینه‌ها جمع شوند و جایشان را حمام‌های دوش‌دار بگیرد. در این اوضاع انجمن شهرداری مشهد به منظور جلوگیری از تعدی و اجحاف صاحبان گرمابه به مردم، نرخ گرمابه‌ها را برای این شهر به تصویب می‌رساند و آگهی آن را در روزنامه آزادی به سال ۱۳۲۱ به چاپ می‌رساند. در این آگهی خدمات و قیمت حمام‌ها برحسب خدمات، درجه و قیمت به شرح زیر اعلام شده است: کیسه، صابون، کاگر و حوله هر نفر ده ریال، ۸ ریال و ۶ ریال صابون با کاگر و حوله هر نفر ۸ ریال، ۶ ریال و ۴/۵ ریال شست و شوبدون کیسه و صابون با حوله هر نفر ۶ ریال، ۴ ریال و ۴ ریال این جریده، همچنین در این اعلان، از حمای‌ها خواسته است در صورت نبود حوله، لنگ تمیز و نو استعمال شود. در بند‌های بعدی نیز توضیح داده شده که هزینه اعلامی برای هر نفر، برای حمام یک ساعته تعیین شده است. در ادامه این آگهی، حمام‌ها را بر اساس درجه آن فهرست کرده است آنچنان‌که حمام‌های «ارگ» و «سیاح» درجه یک محسوب می‌شده‌اند. همچنین حمام‌های جدید‌ها، نو، عیدگاه، نقیب، نایب‌التولیه، بها‌التولیه، گلشن، صاحبکار، حاج ابراهیم، لولو، حاج حسین، حاج آقا جان، برق، بها‌التولیه کمیسری و بنگشی‌ها درجه دوم بوده‌اند. بقیه حمام‌ها که در این فهرست نیامده‌اند نیز درجه سوم به حساب می‌آیند. در آخر این آگهی آمده است: «متخلفین از مقررات فوق شدیداً مورد تعقیب واقع خواهند شد»